

رابطه جغرافیا و امنیت با تأکید بر نقش و کار ویژه نیروی انتظامی

علی عباس شوازی^۱

تاریخ دریافت: ۸۶/۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۸۷/۵/۴

چکیده

عوامل جغرافیایی از دیرباز به عنوان یک عنصر مهم و تأثیرگذار در سیاست کشورها مطرح بوده است و در ادامه، همین توجه و تمرکز بر عنصر جغرافیا، اندیشه‌های ژئوپولیتیک، شکل یافته است. عوامل جغرافیایی به همان میزان که در شکل‌گیری سیاست و مقوله سیاستگذاری در مفهوم کلان آن مؤثر هستند، بر امنیت و سیاستگذاری‌های امنیتی نیز تأثیر می‌گذارند. لذا در این پژوهش سعی شده است با توجه به اصطلاح جغرافیایی (Geo Security) به بررسی عوامل جغرافیایی مؤثر بر امنیت یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی پرداخته شود. به همین منظور با در نظر گرفتن ژئوپولیتیک به عنوان یک مفهوم کلان (که مفهوم ژئوسکیوریتی را نیز در برمی‌گیرد) به تمایز این مفهوم با مفهوم جغرافیای سیاسی اشاره کرده و عوامل مؤثر در ژئوپولیتیک و اندیشه‌های ژئوپولیتیکی مورد بررسی قرار گرفته است.

در ادامه به مفهوم امنیت جغرافیایی که بیشتر مورد توجه دستگاه‌های امنیتی و انتظامی است پرداخته و بر عواملی چون موقعیت، شکل، وسعت و مشخصات ظاهری که در امنیت داخلی و ملی کشور مؤثر هستند، تأکید می‌شود. عوامل جغرافیایی مثل حضور آمریکا در اطراف مرزهای ایران، تنوع همسایگان، تنوع مرزی، و ترانزیت مواد مخدر و قاچاق کالا مجموعه عواملی هستند که بر گرفته از موقعیت، شکل، وسعت و مشخصات ظاهری جمهوری اسلامی ایران هستند و کارکردهای نیروی انتظامی و پلیس را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

کلید واژه‌ها

جغرافیا (Geography)، امنیت (Security)، جغرافیای سیاسی (Geography Political)، سیاست جغرافیایی (politics Geo)، امنیت جغرافیایی (Security Geo)، حکومت (Government)، موقعیت (Situation)، وسعت (Extent).

مقدمه

جغرافیا همواره در طول تاریخ بشر، مورد توجه بوده است. دانش جغرافیا در زمرهٔ نخستین علوم قرار دارد که انسان به آن دست یافته است. به طور کلی، جغرافیا به مطالعهٔ محیط و مکان پرداخته و به دو حوزه مهم و اساسی یعنی جغرافیای انسانی و طبیعی تقسیم می‌شود. تأثیر جغرافیا بر زندگی انسان بر هیچ کس پوشیده نیست و اندیشمندانی نظیر مونته‌سکیو بر تأثیر عوامل جغرافیایی بر خصوصیات فیزیکی و روحيات انسانی تأکید داشته‌اند. در دنیای امروز از جنبه سیاسی و امنیتی به جغرافیا نگرسته شده و کشورها سعی دارند از مقولهٔ جغرافیا در راستای ارتقای امنیت، کسب قدرت و تأمین منافع ملی نهایت استفاده را ببرند. توجه به عامل جغرافیا از اواخر قرن نوزدهم منجر به شکل‌گیری اصطلاح ژئوپولیتیک شد که به بررسی عوامل جغرافیایی مؤثر بر سیاست می‌پردازد. با عنایت به اصطلاح ژئوپولیتیک می‌توان به مفهوم ژئوسکیوریتی نیز اشاره کرد که به بررسی عوامل جغرافیایی مؤثر بر امنیت می‌پردازد. در این تحقیق در راستای پاسخ به این سؤال عمده که چه ارتباطی میان جغرافیا و امنیت وجود دارد این فرضیه مطرح می‌شود که میان جغرافیا و امنیت رابطه معناداری وجود دارد. بدین صورت که عوامل جغرافیایی بر امنیت و سیاست‌های امنیتی تأثیر می‌گذارند و همین اثرگذاری بر کیفیت ایفای نقش نیروی انتظامی تأثیر می‌گذارد. لذا درک درست این متغیر سبب افزایش ارتقای کارکردهای نیروی انتظامی و کارآمدی پلیس می‌شود. در ادامه در راستای آزمون فرضیه پژوهش به اختصار این عوامل را در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران مورد ملاحظه قرار داده و تأثیر آنها را بر کارکرد نیروی انتظامی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱- مبانی نظری

۱-۱) امنیت به مثابه مفهومی پویا

امنیت اصطلاحی است مشعر بر فقدان تهدید به ارزش‌های نادر. وضعیتی است که در آن ارزش‌هایی که از دید تصمیم سازمان برای بقا و بهتر زیستن جامعه حیاتی است، مورد حمایت و تقویت قرار می‌گیرند. با بروز متغیرهای نو، امنیت نیاز به باز تعریف دارد. محیط امنیتی، چارچوبی فضایی و مفهومی است که هر کشور بر اساس ارزش‌های حیاتی و منافع ملی خود تصور می‌کند. این چارچوب در زمان‌های مختلف تابع متغیرهایی چون ساختار نظام بین‌الملل، تحولات فناوری، نظام ارزشی، قدرت

ملی، نگرش هیئت حاکمه به تهدیدات امنیتی، نحوه پراکنش استقرارگاه‌های انسانی، زیرساخت‌های اقتصادی، ارتباطی و مناسبات درون ملی و فراملی است (کاویانی‌راد ۲۶: ۱۳۸۳).

همان‌طور که از مقدمه فوق بر می‌آید، امنیت مفهومی به سرعت در حال گسترش است. امروزه مفهوم سنتی از امنیت که بر بُعد نظامی تأکید داشت، جای خود را به مفهوم امنیت در ابعاد مختلف داده است. مفهوم امنیت، مرکب از چندین ارزش ملی است. این ارزش‌ها عبارت‌اند از: پاسداری از بقای سیاسی و سرزمینی کشور، تضمین بقای سیاسی و سرزمینی کشور، تضمین بقای ارگانیک (فیزیکی و جمعی) مردم، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی و تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف درون کشور (سابق، ۱۳۷۷: ۱۷).

رابطه امنیت و جغرافیا از دو جنبه قابل بررسی است. جنبه اول به بررسی تأثیر سیاست‌های امنیتی بر جغرافیا می‌پردازد که از آن با عنوان جغرافیای امنیتی یاد می‌شود. و جنبه دوم تأثیر جغرافیا بر امنیت و سیاست‌های امنیتی است که در این تحقیق با عنوان امنیت جغرافیایی نام برده شده است و موضوع پژوهش ماست. در کنار ابعاد مختلف امنیت، از قبیل امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، امنیت جغرافیایی عمدتاً در کانون توجه نظامیان و کارشناسان مسائل امنیتی قرار دارد. امنیت جغرافیایی مفهومی است که در چارچوب ژئوپولیتیک قرار دارد. به طور کلی، ژئوپولیتیک به عنوان مفهومی در سطح کلان به شاخه‌های مختلف ژئواکونومی، ژئوکالچر، هیدروپولیتیک و ژئوسکیوریتی تقسیم می‌شود. بنابراین، برای آشنایی بهتر با مفهوم ژئوسکیوریتی، ابتدا به مفهوم ژئوپولیتیک می‌پردازیم.

۱-۲) سیاست جغرافیایی (ژئوپولیتیک) مفهومی در سطح کلان

اصطلاح ژئوپولیتیک که در برخی مواقع جغرافیای سیاسی ترجمه می‌شود به معنای سیاست جغرافیایی است. این دو مفهوم یعنی جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی هر دو شاخه‌ای از یک موضوع هستند. بنابراین، نقش مکمل همدیگر را دارند. اما مهم‌ترین تفاوت این دو مفهوم (جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی) را باید در تأکید آن دو بر عوامل و متغیرهای انسان و جغرافیا دانست؛ به عبارت دیگر در جغرافیای سیاسی انسان و تصمیمات انسان است که نقش محوری دارد، در حالی که در سیاست جغرافیایی تأکید بر جغرافیا و عوامل جغرافیایی است.

به‌طور کلی، جغرافیای سیاسی به مطالعه اثرگذاری تصمیمات سیاسی صاحبان قدرت در محیط جغرافیایی می‌پردازد. حال آنکه ژئوپولیتیک را در نگاهی کلی می‌توان، مطالعه اثرگذاری عوامل جغرافیایی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی صاحبان قدرت دانست. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰).

عواملی نظیر مرزهای سیاسی داخل کشور که با عنایت به نقش انسان بر روی صحنه جغرافیایی صورت می‌گیرد در حوزه مباحث جغرافیای سیاسی است. به‌طور کلی مفهوم کشور در جغرافیای سیاسی مهم‌ترین بحث است. مراد از کشور در اینجا همان تعریف اصلی یعنی اجتماعی از ملت که در یک سرزمین مشخص تحت حکومت معین است، می‌باشد. بنابراین، مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده کشور شامل سرزمین و ملت، (هویت ملی، ناسیونالیسم، منافع ملی، رفتار سیاسی مردم و روحیات ملی)، حکومت (انواع حکومت، تاریخچه پیدایش و تقسیمات سیاسی داخل کشور) و حاکمیت در زیر مباحث جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرند.

به نظر می‌رسد با این مقدمه کوتاه و مختصر در مورد مفهوم جغرافیای سیاسی بهتر بتوان به درک مفهوم ژئوپولیتیک کمک کرد. همان‌طور که اشاره شد ژئوپولیتیک به مطالعه اثرگذاری عوامل جغرافیایی در تصمیم‌گیری‌های صاحبان قدرت می‌پردازد. در ژئوپولیتیک عوامل جغرافیایی مثل منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، شکل زمین و منابع کمیاب، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ژئوپولیتیک عبارت است از مطالعه روابط همکاری یا رقابت میان قدرت‌ها براساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می‌گذارد، یا امکاناتی که در این راستا می‌توان از محیط جغرافیایی گرفت. مسلماً هدف یک قدرت از این روابط، ایجاد موازنه‌های رقابتی با قدرت‌های دیگر برای تأمین امنیت در راستای حفظ منافع ملی و گستردن آن، با توجه به چگونگی بهره‌گرفتن از نقش امکانات جغرافیایی است. از این دیدگاه ویژه، ژئوپولیتیک جهانی را باید در راستای تأمین امنیت، برای حفظ و گسترش منافع ملی در سطوح منطقه‌ای و جهانی دانست (مجتهدزاده ۱۳۸۱: ۲۱).

اگرچه در این تعریف ژئوپولیتیک بیشتر رویکردی فراملی دارد. لیکن می‌توان آن را در کنار، مفهوم جغرافیای سیاسی در سطح ملی و داخلی یک کشور نیز به کار برد؛ چرا که بهره‌گیری از امکانات جغرافیایی و استفاده از آن در سیاستگذاری‌ها و اجرای سیاست‌ها در درون یک کشور به نوبه خود، به ارتقای سطح کارایی نظام سیاسی خواهد انجامید.

۱-۳) رویکردهای مهم در حوزه سیاست جغرافیایی (ژئوپولیتیک)

اصطلاح ژئوپولیتیک را نخستین بار رودلف کیلن^۱ در سال ۱۸۹۹ به کار برد. اما سرآغاز همه بحث‌های ژئوپولیتیکی در قرن بیستم با نظریه مشهور سرزمین قلبی (هارتلند) توسط سرهالفورد جان میکندر انگلیسی در سال ۱۹۰۴ مطرح شد (حافظنیا ۱۳۸۴: ۲۲).

مکندر قاره‌های آسیا و اروپا و آفریقا را به عنوان جزیره جهانی می‌شناخت و آن را به همین نام معرفی می‌کرد. به نظر او کلید جزیره جهانی، ناحیه محور یا هارتلند است. وی هارتلند را ناحیه وسیعی می‌دانست که از اقیانوس منجمد شمالی تا نزدیکی کناره‌های آبی این منطقه ادامه داشت. این ناحیه از غرب به رودخانه ولگا، از شرق به سیبری غربی، از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از جنوب به ارتفاعات هیمالیا، ارتفاعات ایران و ارتفاعات مغولستان محدود می‌شد.

نظریه دوم در سیر اندیشه‌های ژئوپولیتیکی نظریه قدرت دریایی آلفرد تایر ماهان است. وی به طور کلی بر این عقیده است که شرط اصلی در شکل‌گیری یک قدرت جهانی کنترل بر دریاهاست و نظارت بر دریاها اولین اقدام در راه کسب قدرت برتر جهانی است. به نظر وی در نزاع بین قدرت‌ها، نیروهایی که در موقعیت دریایی قرار دارند از امکانات بیشتری برای در دست گرفتن ابتکار عمل برخوردار هستند (تقوی اصل ۱۳۷۹: ۲۶).

۱-۴) امنیت جغرافیایی^۲ مفهومی در چارچوب ژئوپولیتیک

ژئوپولیتیک به عنوان مفهومی کلان به تأثیر عناصر جغرافیایی بر سیاست می‌پردازد، عناصر جغرافیایی، مانند موقعیت، شکل، فضا و... باعث می‌شوند تا کشورها متناسب با آنها و با در نظر گرفتن عوامل فوق، اقدام به سیاستگذاری کنند. سیاستگذاری به معنای اعم کلمه می‌تواند سیاست‌های اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و غیره را شامل شود. در این میان سیاست‌های امنیتی متأثر از جغرافیا به طور خاص به شناسایی عوامل جغرافیایی مؤثر بر امنیت می‌پردازند. همان‌طور که در مباحث قبلی اشاره شد، در ارتباط با جغرافیا و سیاست می‌توان از دو موضوع مکمل یکدیگر یعنی جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک (سیاست جغرافیایی) نام برد. در مورد رابطه جغرافیا و امنیت

1. Rudolf Kielen

2. Geo security

نیز می‌توان به دو مقولهٔ جدا از هم و در عین حال مکمل یعنی جغرافیای امنیتی و امنیت جغرافیایی (ژئوسکیوریتی)^۱ اشاره کرد.

در حوزهٔ جغرافیا و امنیت به طور مشخص می‌توان دوگونه پژوهش و رویکرد را از یکدیگر تمییز داد: رویکرد درونی و ماهیت شناسانه (انتولوژیک) و رویکرد بیرونی یا معرفت‌شناسانه (اپیستمولوژیک). در حالی که رویکرد نخست به جوهره امنیت در فضای جغرافیایی نظر دارد و در پی به دست آوردن تلقی تازه‌ای از امنیت است، رویکرد دوم صرفاً به ملاحظات امنیتی ناشی از مشخصات ظاهری فیزیک یک واحد سیاسی می‌پردازد (افتخاری ۱۳۸۱: ۴۰).

در امنیت جغرافیایی با توجه به ملاحظات جغرافیایی مانند موقعیت راهبردی یک کشور، وضعیت آب و هوایی و همسایگان، سعی می‌شود تا نقاط ضعف و قوت یک کشور شناسایی شده و به راهکارهای لازم در راستای ارتقای امنیت اشاره شود. بنابراین مباحث امنیت جغرافیایی همانند ژئوپولیتیک اصل را بر محیط و تأثیرات محیطی می‌گذارد و تأثیر آن را بر امنیت مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پژوهش تلاش ما بر این خواهد بود که به این جنبه از رابطه جغرافیا و امنیت یعنی امنیت جغرافیایی بپردازیم. در مقابل در رویکرد ماهیت شناسانه (جغرافیای امنیتی) به این واقعیت که بسیاری از مؤلفه‌های جغرافیایی (چون مرزها، سکونتگاه‌ها و مراکز تجاری، نظامی و صنعتی) با توجه به ملاحظات امنیتی شکل گرفته‌اند، پرداخته می‌شود. از این حیث به جغرافیای سیاسی که در آن به بررسی اثرگذاری تصمیمات سیاسی صاحبان قدرت در محیط جغرافیایی می‌پردازد، شباهت دارد.

۲- عوامل جغرافیایی مؤثر در امنیت

۲-۱) وسعت^۲

امروزه هر چند توجه به وسعت به تنهایی و بدون توجه به جمعیت و چگونگی پراکندگی آن و سایر مشخصات طبیعی مثل وضع ناهمواری و منابع طبیعی نمی‌تواند معیاری برای ارزیابی امنیت باشد و با پیشرفت فناوری و تحولات جدید نظامی، صنعتی و ارتباطی، تا حدودی از اهمیت «وسعت» کاسته شده است، اما از مؤلفه‌های مهم در معادلات امنیتی محسوب می‌شود.

1. Geo security

2. Extent

- ضریب امنیتی کشورها در موارد زیر متأثر از مؤلفه وسعت است:
- تنوع آب و هوایی ایجاد می‌کند؛ بنابراین توانایی کشور را در رفع نیازمندی‌های اولیه‌اش افزایش می‌دهد. به عبارتی، ضریب امنیت اقتصادی جامعه افزایش می‌یابد (مانند ایالات متحده آمریکا).
 - از نظر نظامی نوعی ایمنی ایجاد می‌کند؛ زیرا تصرف و تسلط بر آن را مشکل می‌کند (مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق).
 - وسعت امکان جذب جمعیت بیشتر را فراهم می‌آورد؛ بنابراین در تقویت نیروی انسانی و امنیت آن تأثیرگذار است (مانند چین).
 - وسعت امکان بروز بحران نفوذ را افزایش داده و می‌تواند تأثیر امنیتی منفی بگذارد (مانند سودان) (افتخاری ۱۳۸۱: ۵۴).

کشورها براساس وسعت به سه دسته تقسیم می‌شوند

۱) کشورهای بسیار کوچک^۱

کشورهایی چون موناکو، سن مارینو یا مالت که چیزی بین ۲۱ تا ۳۱۶ کیلومتر مربع مساحت دارند، در این گروه قرار دارند. این کشورها به طور معمول، با مشکل تأیید حاکمیت ملی‌شان روبه‌رو هستند.

۲) کشورهای بسیار بزرگ^۲

کشورهایی چون روسیه، آمریکا، کانادا، چین، برزیل یا استرالیا که به طور متوسط هفت تا ده میلیون کیلومتر مربع وسعت دارند در این گروه قرار دارند. باید یادآور شد که به طور معمول از این ویژگی نیز برای حفظ خویش از تهدیدات خارجی بهره برده‌اند.

۳) کشورهایی با وسعت متوسط^۳

گروه سوم از کشورها هستند که از نظر وسعت در میانه دو شاخص بالا قرار دارند. این کشورها با توجه به دیگر ویژگی‌های مزبور برای وسعت، از این عامل برای امنیت بهره‌برداری می‌کنند (افتخاری ۱۳۸۱: ۵۴-۵۵).

1. Small-Micro States

2. Big-Macro States

3. States Normal

۲-۲) شکل^۱

مقصود از شکل؛ فاصله قطره‌های یک کشور تا مرکز جغرافیایی آن است. مهم‌ترین تأثیر شکل هندسی، نحوه اعمال قدرت حکومت مرکزی، بر پهنه کشور است (عزتی ۱۳۷۷: ۹۰).

از منظر شکل، گونه‌های زیر قابل تفکیک هستند:

۱) کشورهای فشرده^۲

تصویر جغرافیایی کشورهای فشرده، مانند شکل هندسی منظمی شبیه دایره یا مستطیل است و چنین به نظر می‌رسد که وسعت کشور بر گرد کانون مرکزی قرار دارد؛ مانند مجارستان و کامبوج (افتخاری ۱۳۸۱: ۵۶).

۲) کشورهای طویل^۳

کشوری را طویل می‌نامند که طول آن حداقل شش برابر عرضش باشد؛ مانند کشورهای شیلی، نروژ، توگو، گامبیا و ایتالیا.

۳) کشورهای دنباله‌دار^۴

به کشورهای دنباله‌دار می‌گویند که زائیده‌ای به صورت شبه جزیره یا دالان داشته و از سوی کشورهای همسایه محصور شده باشند؛ مانند کشورهای چون افغانستان و ژئیر.

۴) کشورهای پاره‌پاره^۵

کشورهایی را پاره‌پاره می‌گویند که بخش‌های مجزای آنها با خاک کشورهای دیگر یا آب‌های بین‌المللی از هم جدا شده باشند؛ مانند کشورهای مالزی، اندونزی، فیلیپین و ژاپن.

۵) کشورهای محاطی^۶

به کشورهایی که به طور کامل در داخل یک کشور قرار گرفته‌اند کشورهای محاطی می‌گویند. از نظر امنیتی، این بدترین شکل ممکن برای یک واحد سیاسی ارزیابی می‌شود. به کشورهایی که این کشورها در داخل آنها قرار دارند، کشورهای محیطی می‌گویند.

1. Shape
2. States Intensive
3. States Long
4. States Protracted
5. States Fragmented
6. States Surrounding

۶) کشورهای حایل^۱

کشورهای حایل کشورهای ضعیفی هستند که برای جلوگیری از بروز تنش بین دو کشور قوی به وجود آمده‌اند؛ مانند بولیوی، پاراگوئه و اروگوئه.

۲-۳) موقعیت^۲

سومین عنصر مهم در مطالعات جغرافیای مؤثر بر امنیت، موقعیت یک کشور و مکان جغرافیایی آن است. موقعیت یک کشور را به دو صورت می‌توان تشخیص داد: ۱) موقعیت ریاضی که با استفاده از مدارها و نصف‌النهارها مشخص می‌شود و در مقایسه با موقعیت نسبی کمتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت بهتر موقعیت ریاضی همان طول و عرض جغرافیایی است که در شرایط آب و هوایی تأثیر دارد. ۲) موقعیت نسبی که در آن موقعیت یک کشور نسبت به دریا، دولت‌های قدرتمند و مناطق حساس و در مقیاس قاره‌ای و جهانی و یا منطقه‌ای است و دارای اهمیت زیادی است. کشورها از دیدگاه موقعیت نسبی به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۲-۱) کشورهای راهبردی^۳

این‌گونه کشورها به علت قرار گرفتن در کنار تنگه‌ها و آبراهه‌ها یا کانال‌های مهم بین‌المللی یا در موقعیت دسترسی به منابع خاص و کمیاب از اهمیت زیادی برخوردارند.

۲-۲) کشورهای مهم^۴

کشورهای مهم، عمده کشورهای مطرح در عرصه بین‌المللی را شامل می‌شوند که علی‌رغم نداشتن معیارهای راهبردی یاد شده، به علت داشتن قدرت، نفوذ یا تلاش برای حضور در مناطق راهبردی، از سوی دیگر بازیگران مورد توجه قرار می‌گیرند.

۲-۳) کشورهای معمولی^۵

کشورهای معمولی طیف وسیعی از کشورها را شامل می‌شود که به طور معمول، در عرصه بین‌المللی مطرح نیستند و در حاشیه مسائل و تحولات قرار دارند. این کشورها گاه در بعضی از مسائل مطرح می‌شوند و مجدداً به حاشیه باز می‌گردند (افتخاری ۱۳۸۱: ۶۵-۶۴).

1. States Intervening
2. Situation
3. States Strategic
4. States Important
5. States Normal

۲-۴) مشخصات (کیفیات) ظاهری

آخرین مؤلفه جغرافیایی مؤثر بر امنیت، کیفیت ظاهری سرزمین است. به راحتی می‌توان این مشخصات ظاهری را در سطح خرد و در داخل مناطق داخلی کشور هم ارزیابی کرد. مشخصات ظاهری می‌تواند هم در راستای ارتقای ضریب امنیتی قرار گیرد و هم منجر به کاهش امنیت شود. در مجموع می‌توان مشخصات ظاهری را در موارد زیر خلاصه کرد: سرزمین‌های ناهموار، سرزمین‌های هموار، بیابان‌ها و مناطق کویری یا دشت‌های وسیع خشک یا سرد؛ و نوع پراکندگی جمعیت و استقرار آنها در درون سرزمین (افتخاری ۱۳۸۱: ۶۶-۶۵).

اگر چه عوامل جغرافیایی طرح شده عمدتاً در سطح بین‌المللی قابل تبیین هستند، اما این عوامل به همان میزان که در امنیت بین‌المللی یک کشور مؤثر هستند، در امنیت داخلی کشور نیز تأثیر می‌گذارند.

۳-۳) عوامل جغرافیایی مؤثر بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

در تمام نظریات ژئوپولیتیک به اهمیت ژئوپولیتیک ایران اشاره شده است. جایگاه ژئوپولیتیک ایران از چند جنبه اهمیت دارد:

اول آنکه، ایران در طول تاریخ تا آن حد مورد توجه بیگانگان بوده است که برای دسترسی و تسلط بر آن همواره از طرف سایر قدرت‌ها و دولت‌ها مورد چالش قرار گرفته است.

دوم آنکه، جایگاه جغرافیایی ایران از گذشته تاکنون در ابتدای خط اتصال ملت‌ها و جوامع شرق و غرب دنیا و نقطه اتصال فرهنگ‌های غرب و شرق زمین است.

سوم آنکه، خاستگاه مهم‌ترین عنصر اقتصادی قرن ۲۰ و ۲۱ یعنی انرژی است.

چهارم آنکه، ظرف مذاب اقوام و مذاهب است.

پنجم آنکه، جایگاه امن همسایه‌ها در بروز درگیری‌هاست.

ششم آنکه، ایران از گذشته دور تا به حال در نظام بین‌المللی مهم‌ترین منطقه ژئوپولیتیک در قلمروهای راهبردی جهان است.

و در نهایت اینکه به دنبال آرمان سیاسی و تاریخی گذشته آن، کشوری غیر قابل تجزیه در خاورمیانه است.

همه مباحث درباره چشم‌اندازهای ژئوپولیتیک جهان با دیدگاه‌های ژئوپولیتیسن معروف مکیندر آغاز می‌شود. اساس تز معروف مکیندر این بود که حوزه داخلی

اوراسیا محور سیاست جهان است. جایگاه ایران در این نقشه ژئوپولیتیکی مکیندر در سال ۱۹۰۴ این بود که حاشیه جنوب دریای خزر ناحیه ترکمن صحرا تا بخش شمالی خراسان و در غرب دریای خزر نیز حاشیه کوچکی از استان گیلان، حوالی رشت تا بندر انزلی و آستارا درون این ناحیه قرار می‌گرفت و بقیه کشور در هلال داخلی یا حاشیه‌ای قرار گرفته بود. در نظریه اسپایکمن هم ایران در سرزمین حاشیه‌ای نظریه او بود. در دکترین ترومن، ایران به منزله کمربند محاصره نیم دایره‌ای کمونیزم توسط کشورهای غیر کمونیزم بود.

در آخرین نظریه که در ۱۹۹۵ توسط ادوارد جرجیان مطرح شده، ایران در منطقه‌ای که آن را هلال بحران می‌نامد قرار گرفته، منطقه‌ای که در آن مردم به سه نوع مبارزه دست زده‌اند: یکی مبارزه علیه تازه متولدین غیر مسلمان مثل اسرائیل، دوم مبارزه علیه حاکمان مسلمانی چون مصر، سوم کشورهایی که سعی در صدور افکار الهی و اسلامی خود به بیرون از منطقه بحران دارند مثل ایران و سودان. از نظر جرجیان ایران در زمره کشورهایی است که ادعای جهانی شدن اعتقاداتش را داشته و جهان را تشنه اجرای عدالت که با برقراری حکومت اسلامی و نظام ولایت فقیه تحقق می‌یابد می‌داند. هم اکنون نیز ژئوپولیتیسین‌های غربی با عنوان کردن هلال شیعی ایران را قدرتمندترین کشور در این هلال می‌دانند که رهبری و هدایت کشورهایی که در این هلال قرار گرفته‌اند را بر عهده دارد. این نشانگر تبدیل ایران از جایگاه حاشیه‌ای در نظریه مکیندر به جایگاه محوری در نظریات جرجیان است (صباغی ۱۳۸۶: ۶).

۳-۱) ایران کشوری متوسط

از لحاظ وسعت کشور ما ایران با وسعتی در حدود ۱/۶۴۸/۱۹۵ کیلومتر مربع، دارای وسعت متوسط است و از این لحاظ شانزدهمین کشور جهان است. این وسعت قلمرو در موارد مختلف در سرنوشت سیاسی این کشور تأثیرگذار بوده است. گفته می‌شود یکی از عواملی که باعث شد تا در دهه ۷۰ میلادی در سیاست منطقه‌ای آمریکا، ایران به عنوان یکی از ارکان راهبرد دوستونی نقش فعالی را در منطقه به عهده بگیرد، وسعت قلمرو آن بوده است. در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز با اینکه بخش‌های وسیعی از کشور در اوایل جنگ به اشغال دشمن درآمد، لیکن گسترش وسیع ارضی و عمق راهبردی، امکان اشغال را به دشمن نداد (مینایی ۱۳۸۱: ۱۴۳).

۳-۲) ایران، چهارضلعی نامنظم

کشور ایران از لحاظ شکل جغرافیایی، چهارضلعی نامنظمی است که بزرگ‌ترین

قطر آن در جهت شمال غربی به جنوب شرقی (از آارات تا خلیج گواتر) در حدود ۲۲۵۰ کیلومتر و قطر کوچک آن در جهت شمال شرقی به جنوب غربی (از سرخس تا دهانه اروند رود) در حدود ۱۴۰۰ کیلومتر است (مینایی ۱۸۱ : ۱۴۶). بنابراین، ایران در زمره کشورهای نزدیک به شکل فشرده قرار می‌گیرد که در تدوین سیاستگذاری‌ها و اجرای آنها باید به این نکته توجه شود.

۳-۳) ایران سرزمینی با ناهمواری‌های زیاد

از نظر ناهمواری‌ها، ایران در داخل کمربند میانی نیمکره شمالی واقع شده است. به لحاظ تقسیمات، نیمی از ایران را کوه‌ها، یک چهارم را جلگه‌ها، یک چهارم دیگر را صحراها و بیابان‌ها تشکیل می‌دهند.

کوه‌های ایران به ویژه در شمال (البرز) و غرب (زاگرس) مشکلاتی را در امر ساختن راه‌های ارتباطی و عبور ابرهای برخاسته از دریا‌های خزر و مدیترانه به مرکز کشور پدید آورده و باعث جدایی برخی اقوام از سایرین شده‌اند، اما مزیت‌های دفاعی (کوه‌های مرزی) و تعدیل درجه هوا از نقاط قوت آن‌هاست.

کویرها، دریاها، جنگل‌ها نیز از چهره‌های عمده جغرافیایی کشور هستند. دو کویر بزرگ ایران، یعنی کویر لوت و دشت کویر تاکنون عامل اصلی کمبود راه‌های ارتباطی و نبود جمعیت کافی در بخش قابل توجهی از وسعت کشور بوده‌اند (ملکوتیان ۱۳۸۳ : ۱۹۱-۱۹۰).

۴-امنیت جغرافیایی ایران و کارکرد نیروی انتظامی

یکی از نهادهای مهم برقراری و حفظ امنیت در کشور نیروی انتظامی است. به تعبیری روشن‌تر، نیروی انتظامی پیشاهنگ نهادهای تأمین امنیت در کشور محسوب می‌شود. برای آشنایی بهتر با نقش و کار ویژه نیروی انتظامی باید به توضیح و تبیین امنیت به ویژه امنیت ملی پرداخت.

به طور کلی، می‌توان امنیت ملی را شرایط و فضایی (ملی و فراملی) دانست که یک ملت طی آن قادر است اهداف و ارزش‌های حیاتی مورد نظر خود را در سطح ملی و بین‌المللی گسترش دهد و یا حداقل آنها را در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل عوامل داخلی و خارجی حفظ کند (درویش سه تلانی ۱۳۷۶ : ۱۱).

براساس این تعریف امنیت به دو سطح داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. در سطح خارجی تحلیل عملکرد و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های منطقه‌ای و سایر

کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد و در سطح داخلی شرایط، سیاست‌ها و عملکرد داخلی و تأثیر آن بر امنیت مدنظر است. در بحث امنیت داخلی آسیب‌پذیری‌های ناشی از نقاط ضعف مزمّن که ساختارها و امکانات و توانایی‌ها قادر به پاسخگویی به آنها نشود، مطرح می‌شوند (ربیعی ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۱۱).

مباحثی مانند خرابکاری، تروریسم، شورش، موادمخدر، مبارزه با قاچاق و برخی از مسائل مرزی مرتبط با امنیت داخلی در حیطه وظایف نیروی انتظامی است و در حوزه امنیت داخلی طرح می‌شود. از این رو، برخی از نویسندگان با عطف به این وجه از امنیت ملی یعنی امنیت داخلی و در پیوند با وظایف و کارکردهای سازمان پلیس از مفهوم امنیت انتظامی نام برده‌اند و آن را امنیتی دانسته‌اند که از طریق انتظام‌بخشی امور جامعه به دست می‌آید و وجهی داخلی دارد. معمولاً در کشورهای جهان این نوع امنیت، توسط نیرویی تأمین می‌شود که نام پلیس بدان اطلاق می‌شود. از این رو، وظایف پلیس و نیروی انتظامی در کلیت خود همواره مسئول و مدیر انتظام‌بخشی به امور داخلی بوده و کمتر به مسائل خارج از مرزها توجه کرده است (افتخاری ۱۳۷۹: ۱۵۰).

به تعبیر ماندل امنیت دارای چهار بُعد اصلی است که عبارت‌اند از: ابعاد نظامی، اقتصادی، منابع - محیطی و سیاسی - فرهنگی (ماندل ۱۳۷۹: ۷۱).

البته ابعاد فوق با هم مرتبط‌اند و نمی‌توان آنها را از هم جدا دانست. شاید بتوان این بحث را با قدرت ملی و منابع قدرت ملی پیوند داد؛ زیرا میان قدرت ملی و امنیت ملی رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد و چنانکه کشوری به این مهم توجه نکند، در تأمین امنیت خود دچار مشکل خواهد شد. همان‌گونه که ماندل در بحث ابعاد امنیت از جنبه‌های مختلف و متعددی سخن به میان می‌آورد، در بحث قدرت ملی و منابع آن از منابع مختلفی نظیر: ۱- منابع جغرافیایی و ژئوپولیتیکی؛ ۲- منابع انسانی؛ ۳- منابع فرهنگی؛ ۴- شکل و ساختار حکومت می‌توان نام برد (۱۳۷۴: ۶۹).

بنابراین، در بحث ابعاد امنیت و منابع قدرت ملی و به تبع آن تأمین امنیت، عامل جغرافیا و به طور کلی محیط اهمیتی فراوان دارد و همچنان که طرح شد با توجه به این امر که کارکرد و وظایف نیروی انتظامی عمدتاً در حیطه امنیت داخلی است؛ نگاهی کوتاه به قانون نیروی انتظامی اهمیت این بحث را روشن‌تر می‌کند.

مطابق قوانین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که در ۱۳۶۹/۵/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، وزارت کشور مکلف است نیروهای شهربانی، کمیته و ژاندارمری را در هم ادغام کرده و ظرف مدت یک سال سازمانی تحت عنوان

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهد. همچنین نیروهای مسلحی که در جهت امور انتظامی در ارتباط با قوه قضاییه، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و مؤسسات مختلف فعالیت می‌کنند در نیروی انتظامی بر عهده عالی‌ترین مقام نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی مقام معظم رهبری - فرمانده کل قوا- است.

در ماده چهار قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران وظایف و مأموریت‌های نیروی انتظامی به شرح زیر آورده شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی؛
- ۲- مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد با همکاری وزارت اطلاعات؛
- ۳- تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات و تشکل‌های مجاز و ممانعت از تشکل و راهپیمایی و اجتماع غیرمجاز؛
- ۴- اقدام لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف محوله و همکاری با سایر سازمان‌ها و یگان‌های اطلاعاتی کشور؛
- ۵- حراست از اماکن، تأسیسات و تجهیزات و تسهیلات طبقه‌بندی شده غیرنظامی و حفظ حریم آن‌ها؛
- ۶- حفاظت از مسئولیت و شخصیت‌های داخلی و خارجی؛
- ۷- جمع‌آوری سلاح و مهمات و تجهیزات غیرمجاز و صدور پروانه نگهداری و حمل سلاح شخصی و نظارت بر مصرف مجاز؛
- ۸- انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی محول است. شامل: الف) مبارزه با مواد مخدر؛ ب) مبارزه با قاچاق؛ ج) مبارزه با منکرات و فساد؛ د) پیشگیری از وقوع جرایم؛ ه) کشف جرایم؛ و) بازرسی و تحقیق؛ ز) حفظ آثار و دلایل جرم؛ ح) دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و اختفای آن‌ها؛ ط) اجرا و ابلاغ احکام قضایی؛
- ۹- مراقبت و کنترل مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوبه مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرزنشین جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده انحصاری اقتصادی دریاها؛
- ۱۰- اجرای قوانین و مقررات مربوط به گذرنامه؛
- ۱۱- اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و امور توزین و حفظ حریم راه‌های کشور؛

۱۲- همکاری با سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی؛

۱۳- همکاری با دبیرخانه پلیس بین‌الملل (ناصرزاده، ۱۳۷۷: ۳۰۸-۳۰۵).

اندک تأملی بر وظایف نیروی انتظامی نشان می‌دهد که عوامل جغرافیایی به دو صورت بر کار ویژه‌های نیروی انتظامی تأثیر می‌گذارد و در وظایف و مأموریت‌های شماره ۵، ۷، ۹ و ۱۱ به صورت مستقیم مؤثرند و در موارد دیگر عوامل جغرافیایی تأثیری غیرمستقیم بر وظایف و مأموریت‌های نیروی انتظامی دارند. لذا باید به عوامل جغرافیایی مؤثر بر امنیت یعنی وسعت، شکل، موقعیت و مشخصات ظاهری در تدوین سیاستگذاری‌ها و اجرای مأموریت‌های نیروی انتظامی و از سوی دیگر به تهدیداتی که عطف به موقعیت جغرافیایی خاص کشورها، بر نقش و کار ویژه نیروی انتظامی تأثیر می‌گذارند توجه بیشتری شود. تهدیدات امنیتی متأثر از جغرافیا به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، این بخش از پژوهش به این نکته می‌پردازد که عناصر جغرافیایی مؤثر بر امنیت ایران که بر عملکرد نیروی انتظامی تأثیر می‌گذارند، کدامند و این عوامل چه تهدیدات و فرصت‌هایی برای نیروی انتظامی فراهم می‌آورند. شاید بتوان در نمودار زیر رابطه میان امنیت جغرافیایی ایران و سازمان پلیس را به خوبی نشان داد.

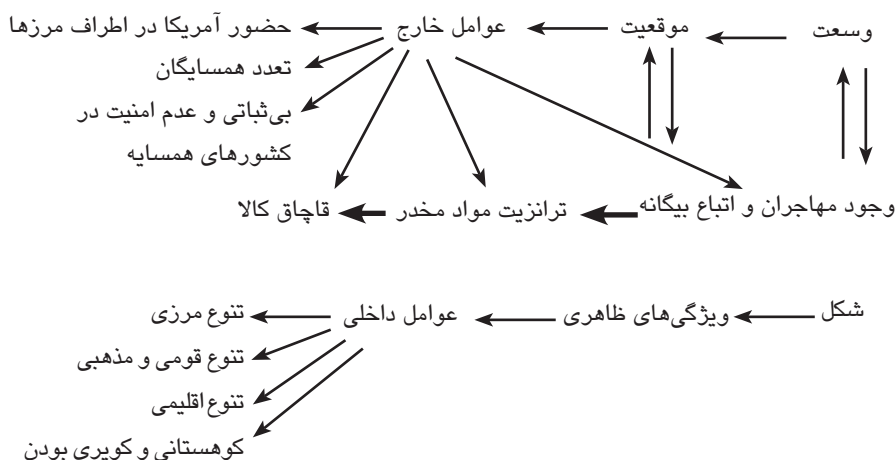
۴-۱) عوامل جغرافیایی خارجی

منظور از عوامل جغرافیایی خارجی، عواملی هستند که بیرون از جغرافیای ایران بر امنیت ایران و نیز بر عملکرد نیروی انتظامی تأثیر می‌گذارند. در میان عوامل جغرافیایی که برخاسته از موقعیت جغرافیایی ایران می‌باشند، حضور آمریکا در اطراف مرزهای ایران و حمایت این کشور از گروه‌های سیاسی و تروریستی معاند مهم‌ترین عاملی است که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر عملکرد نیروی انتظامی تأثیر گذاشته است.

۴-۱-۱) حضور آمریکا در اطراف مرزهای ایران

جنگ دوم خلیج فارس (تجاوز نظامی عراق به کویت) در سال ۱۹۹۱ که همزمان با فروپاشی یکی از دو رکن نظام دوقطبی بود، به حضور نظامی آمریکا در منطقه و تسلط بر منابع نفتی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس منتهی شد. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آمریکا با استناد به مقابله با تروریسم، افغانستان را مورد حمله نظامی - موشکی قرار داد. اشغال افغانستان منجر به حضور نظامی آمریکا و ناتو در مرزهای شرقی ایران شد. به دنبال حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی در این کشور، دایره حضور آمریکا در منطقه کامل شد.

نمودار شماره ۱- رابطه امنیت جغرافیایی ایران و سازمان پلیس



بدین ترتیب، آمریکا تلاش کرده تا ایران را در محاصره قرار دهد و قدرت مانور و نفوذ ایران را در حوزه‌های پیرامونی، مثل افغانستان، پاکستان، آسیای مرکزی و قفقاز، به حداقل ممکن کاهش دهد. از این رهگذر تهدیدهای برون مرزی علیه امنیت ملی و منافع ملی ایران فعال شد. این تهدیدها با توجه به سطح، ماهیت و شدت آنها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی، زیان‌های زیادی را متوجه منافع ملی ایران کرده است. آمریکا تلاش کرده است با حمایت از گروه‌های تروریستی، فضا را برای فعالیت آنها در مناطق مرزی آماده کند. این امر علاوه بر ناامنی منطقه، زمینه را برای قاچاق کالا و مواد مخدر فراهم کرده است. بنابراین، نیروی انتظامی باید ضمن توجه به حضور آمریکا در کشورهای همسایه و حمایت این کشور از گروه‌های معاند، به تدوین راهبردی‌های کارآمد برای مقابله با این تهدیدات بپردازد.

۴-۱-۲) تعداد همسایگان

دومین عامل مؤثر بر امنیت، وجود همسایگان متعدد با ساختارهای سیاسی و اقتصادی متفاوت در اطراف ایران است.

به طور کلی، کشور ایران با داشتن پانزده همسایه از طریق خشکی و دریا پس از روسیه و همراه با چین دومین کشور جهان از نظر تعداد همسایگان است (بلوچی ۱۳۸۲: ۴۴).

در برخی از این کشورها که پس از فروپاشی شوروی به وجود آمده‌اند، هنوز

ساختارهای سیاسی و اقتصادی لازم شکل نگرفته است. این امر نه تنها این کشورها را در برقراری امنیت داخلی با مشکل مواجه ساخته، بلکه زمینه نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را در این کشورها فراهم کرده است.

۳-۱-۴) بی‌ثباتی و عدم امنیت در کشورهای همسایه

کشورهای همسایه ایران اغلب، در برقراری امنیت داخلی ضعیف و ناتوان هستند، کشورهای شرقی مثل افغانستان و پاکستان بر قسمت عمده‌ای از خاک خود به لحاظ امنیتی کنترل ندارند و این امر باعث افزایش مشکلات کشور در زمینه پدیده تروریسم و قاچاق کالا شده است. در مرزهای غربی و شمال غربی با اشغال عراق توسط آمریکا زمینه برای فعالیت‌های تروریستی فراهم شده است. وجود اغتشاش و بی‌ثباتی در کشورهای همسایه به صورت مستقیم در ناامنی مناطق مرزی تأثیر گذاشته و مسئولیت نیروی انتظامی را به عنوان یکی از ارکان مهم در برقراری امنیت دچار مشکل ساخته است.

۴-۱-۴) تروریسم

یکی دیگر از مسائل امنیتی مرتبط با همسایگان مسئله تروریسم است. تروریست‌ها با حمایت کشورهای قدرتمند با عملیات خرابکاری، گروگانگیری، بمب‌گذاری در مناطق حساس و راهبردی، امنیت کشور را به مخاطره می‌اندازند. بنابراین، نیروی انتظامی بر حسب وظایف خود مانند مراقبت از مرزها، حفاظت از مسئولان و شخصیت‌ها، حراست از اماکن حساس و استقرار نظم و آسایش عمومی، باید اقدام به مقابله با این پدیده کند. پدیده تروریسم در ایران در برخی مناطق به‌ویژه جنوب شرقی و شمال غربی همچنان وجود دارد و این امر ناشی از حضور آمریکا در اطراف مرزهای ایران و حمایت این کشور از تروریست‌ها و همچنین عدم توانایی کشورهای همسایه در برقراری امنیت است که هر سال علاوه بر هزینه‌های مالی و جانی، مشکلات زیادی را متوجه نیروی انتظامی می‌کند.

۵-۱-۴) قاچاق کالا

مسئله سوم موضوع قاچاق کالا است. شکل‌گیری پدیده قاچاق ناشی از وسعت سرزمینی، مرزهای طولانی آبی و خاکی با کشورهای همجوار و روش‌های جدید حمل و نقل کالاهای قاچاق از طریق مبادی ورودی و خروجی کشور مشکلات مضاعفی را برای نیروی انتظامی ایجاد کرده است.

۴-۱-۶) ترانزیت موادمخدر

با توجه به وضعیت طبیعی مرزهای طولانی شرقی کشورمان با افغانستان و پاکستان، وجود جنگ طولانی و مستمر داخلی در افغانستان، پشتیبانی قاطع گروه طالبان (و در حال حاضر حمایت اشغالگران در افغانستان) از کشت و صدور تریاک و انواع مشتقات موادمخدر، مجهز بودن سوداگران بین‌المللی تجارت مواد افیونی به انواع وسایل و تجهیزات پیشرفته جنگی و مخابراتی، عدم قاطعیت مأموران پاکستانی در مبارزه با موادمخدر و کمبود شدید امکانات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله مؤثر با ترانزیت موادمخدر، همه در کنار هم باعث شده است تا مسائل و مشکلات بسیاری فراروی نیروی انتظامی قرار گیرد (افتخاری ۱۳۷۹: ۱۱۸).

لذا همچنان‌که عنوان شد موقعیت ایران به علت همسایگی افغانستان که بزرگ‌ترین تولیدکننده موادمخدر است، باعث شده تا نیروی انتظامی در مواجهه با این پدیده خانمانسوز متحمل تلفات و صرف هزینه‌های زیادی شود. به علت قرار گرفتن در مسیر شرق و غرب، سوداگران سعی دارند از طریق ایران مواد خود را به کشورهای غربی برسانند.

آمارها حاکی از آن است که پس از اشغال افغانستان توسط آمریکا و متحدانش بر میزان تولید موادمخدر افزوده شده است، به طوری که قبل از حضور آمریکا و متحدانش در افغانستان تولید موادمخدر حدوداً ۳۲۰۰ تن در سال بود و در حال حاضر بالغ بر ۸ هزار تن است. این امر را وقتی در کنار عدم توانایی افغانستان در برقراری امنیت و بی‌ثباتی داخلی قرار دهیم، اهمیت عوامل جغرافیایی بیشتر می‌شود.

۴-۱-۷) وجود مهاجران و اتباع بیگانه

این موضوع نیز از مسائل مهم و مرتبط با موقعیت جغرافیایی ایران است. اصولاً این تهدید به ویژه در مواردی که ویژگی‌های قومی و فرهنگی جمعیت وارد شده (مهاجران) با مردم بومی ساکن متفاوت باشد، باعث افزایش مشکلات امنیتی می‌شود. چنانچه مهاجرت‌کنندگان به محیط حساسی وارد شوند و یا در استفاده از منابع محدود سرزمین به رقابت با ساکنان منطقه بپردازند، تهدید جنبه زیستی و اقتصادی پیدا می‌کند. امروزه ترس از بلعیده شدن و اکثریت شدن جمعیت مهاجران به مسئله مهم امنیتی تبدیل شده است (بوزان ۱۳۷۸: ۱۱۶).

اکثر مهاجران ایران را افغانه و در برخی موارد کردهای عراقی تشکیل می‌دهند. ورود اتباع مهاجر و غیر قانونی به کشور علاوه بر ایجاد مشکلاتی مثل بیکاری کارگران داخلی، باعث افزایش میزان بزهکاری و جرم و جنایت در داخل شهرها به ویژه شهرهای بزرگ شده است. مشکلات ناشی از وجود مهاجران - که اکثر آنها هم

به صورت غیر قانونی وارد کشور شده‌اند- باعث افزایش مشکلات نیروی انتظامی در داخل شهر و مناطق مرزی شده است. بنابراین، عامل تعدد و تنوع همسایگان موجب پدید آمدن مسائل امنیتی فراوانی فرا روی نیروی انتظامی شده است. از این رو، تکیه بر عامل جغرافیا در تدوین سیاستگذاری‌های انتظامی و امنیتی باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

۴-۱-۳) عوامل جغرافیایی داخلی

عوامل داخلی مؤثر بر امنیت برخاسته از مؤلفه‌هایی مانند ویژگی‌های ظاهری، وسعت و شکل هستند. بر این اساس مهم‌ترین عوامل داخلی مؤثر بر امنیت را می‌توان، تنوع مرزی، تنوع اقلیمی، کوهستانی و کویری بودن اکثر نقاط کشور نام برد. البته همچنان که گفتیم این عوامل متضمن فرصت نیز می‌باشند. لذا در تدوین سیاستگذاری‌ها و اجرای مأموریت‌ها نیز باید به این امکان‌ها توجه کرد.

۴-۲-۱) تنوع مرزی

مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر است. در ضمن وجود همین خطوط است که وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هرگونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد، ممکن می‌سازد (میرحیدر ۱۳۸۰: ۱۶).

به طور کلی مرزها در ایران در اشکال مختلفی مثل، خشکی (کوهستانی و کویری) و آبی وجود دارند. تنوع مرزی نیازمند سیاست‌های دفاعی و امنیتی متفاوتی است. مرزهای ایران علاوه بر تنوع، دارای ویژگی‌هایی چون، کم بودن جمعیت در مناطق کوهستانی و کویری، توسعه نیافتگی مناطق مرزی در مقایسه با سایر مناطق، وجود قومیت‌های متنوع در اطراف مرزها که با مردمان آن سوی مرزهای خود دارای اشتراکات فرهنگی و نژادی هستند، عدم توانایی برخی از کشورهای همسایه در برقراری امنیت در مرزهای مشترک خود با جمهوری اسلامی ایران و قرار گرفتن بیش از نیمی از استان‌های کشور در مناطق مرزی است. در مجموع مشکلات ناشی از وضعیت مرزهای ایران را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ایجاد ناامنی از طرف گروه‌های معاند و وابسته؛
- فعالیت سیاسی گروه‌های غیرقانونی در اطراف مرزها؛
- تردهای غیرقانونی و خارج از کنترل؛

- شکل‌گیری پدیده قاچاق کالا و ترانزیت موادمخدر (در سال‌های اخیر هم مواد سوختی به کالاهای قاچاق اضافه شده است)؛
- استفاده قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از گروه‌های مخالف نظام برای ایجاد اختلال در نظم و امنیت کشور در جهت پیشبرد اهداف خود.

۴-۲-۲) تنوع قومی و مذهبی

کشور ایران از قومیت‌های مختلفی تشکیل شده است که همواره در طول تاریخ به صورت مسالمت‌آمیزی در کنار هم زندگی کرده‌اند و این همگرایی همواره مطمح نظر دشمنان نظام بوده است. آنها با توجه به این موضوع که بیشتر قومیت‌ها در مجاورت مرزها قرار دارند و به لحاظ نژادی و زبانی با افراد آن سوی مرز دارای اشتراکاتی می‌باشند و به لحاظ مذهبی از برادران اهل سنت محسوب می‌شوند، تلاش کرده‌اند تا از این مسئله در راستای منافع خود بهره‌برداری کنند. از این رو، این عامل نیز در پیوند با عامل جغرافیا قرار می‌گیرد که می‌باید در تدوین سیاست‌ها و اجرای وظایف توجه بیشتری به مفاهیمی مانند پلیس محلی شود و آموزش فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی در راستای آشنایی با آداب و سنن مردم نواحی مختلف کشور، در دستور کار قرار گیرد.

۴-۲-۳) تنوع اقلیمی

سومین عامل مؤثر داخلی که همزمان می‌تواند نقطه ضعف و قوت باشد، تنوع اقلیمی است. تنوع اقلیمی علاوه بر اینکه امکانات مختلفی را در اختیار کشور می‌گذارد، نیازمند سیاست‌های دفاعی و امنیتی متفاوتی است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد آشنایی با اقلیم‌های مختلف، خصوصیات مردمان منطقه و نیازهای امنیتی متناسب خواهد توانست در ارتقای امنیت مؤثر باشد.

۴-۲-۴) کوهستانی و کویری بودن اکثر نقاط کشور

همان‌طور که در مباحث قبل گفته شد یکی از عوامل مؤثر بر امنیت، مشخصات ظاهری سرزمین است. در ویژگی‌های ظاهری یک سرزمین به عواملی از قبیل ناهمواری‌ها، دشت‌ها، کویرها و جنگل‌ها پرداخته می‌شود. به طور کلی، در مشخصات ظاهری ایران کوه‌ها و مناطق کویری برجستگی خاصی دارند. کوه‌های ایران که در

جهت شمال و غرب قرار گرفته‌اند به دو رشته‌کوه مهم البرز و زاگرس تقسیم می‌شوند. وجود کوه‌ها علاوه بر ایجاد مشکل در امر ساختن راه‌های ارتباطی، امر خدمات‌رسانی را نیز با دشواری روبه‌رو کرده است. از لحاظ امنیتی در مناطق کوهستانی، دولت مرکزی در ارسال نیرو با مشکل مواجه می‌شود و نیروهای پارتیزانی در این مناطق امکان موفقیت بیشتری در عملیات دارند. البته نباید از نقش مثبت کوهستان‌ها در جهت دفاع از کشور غافل شد.

مناطق کویری که بیشتر در مناطق شرقی و جنوب شرقی واقع هستند، همانند مناطق کوهستانی خالی از سکنه هستند و این امر باعث شده است تا اشترار و گروه‌های معاند از این مناطق در راستای عملیات و مخفی کردن تجهیزات استفاده کنند. این مناطق مسیرهای برای قاچاق کالا و موادمخدر نیز هستند که به نوعی بر کارکردها و کار ویژه‌های نیروی انتظامی تأثیر می‌گذارند.

نتیجه‌گیری

آنچه در این نوشتار به آن اشاره شد، توجه به عامل جغرافیا و نقش آن در سیاستگذاری و تأمین امنیت کشور است. امروزه عوامل جغرافیایی مورد توجه کشورهای مختلف بوده و اهمیت کشورها بر اساس عواملی مانند موقعیت، شکل و وسعت مشخص می‌شود. بنابراین، آشنایی با این عوامل و استفاده بهتر از آنها خواهد توانست در ارتقای امنیت و کسب منافع ملی مؤثر باشد. لذا در این پژوهش سعی شد عوامل جغرافیایی مؤثر بر امنیت را در سطح کشور به عنوان یک واحد سیاسی مورد بررسی قرار داده و به طبقه‌بندی کشورها بر این اساس پرداخته شود. از سوی دیگر نیروی انتظامی به عنوان مهم‌ترین نیروی متولی امنیت در کشور وظایف مختلف و مهمی دارد. وظایف و مأموریت‌های این نیرو از برقراری امنیت در داخل شهرها گرفته تا امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران را شامل می‌شود. بخشی از کار ویژه‌های نیروی انتظامی در ارتباط مستقیم با جغرافیا و مقولات جغرافیایی است. برای مثال حفاظت از مرزهای جمهوری اسلامی ایران در ارتباط مستقیم با وضعیت همسایگان و ارتباط آنها با قدرت‌های جهانی است و یا تنوع مرزی و مرزهای طولانی با کشورهای مختلف باعث ایجاد مسائلی از قبیل ترانزیت موادمخدر، قاچاق کالا و ورود جمعیت مهاجران شده است. این عوامل در عملکرد نیروی انتظامی تأثیر گذاشته و بر اهمیت عامل جغرافیا در تدوین سیاستگذاری‌های کارآمد و اجرای درست مأموریت‌ها افزوده است. بنابراین

نیروی انتظامی باید ضمن توجه دقیق به عوامل جغرافیایی، راهبردها و راهکارهای تدوین سیاستگذاری‌ها و اجرای مأموریت‌های خود را متناسب با این عوامل بهبود و ارتقا دهد.

منابع

- اطاعت، جواد (۱۳۷۶). *ژئوپولیتیک و سیاست خارجی ایران*. تهران: انتشارات سفیر.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). «سازمان امنیتی فضای جغرافیایی، درآمدی بر جغرافیای امنیتی به مثابه یک گرایش علمی نوین». *مجله جغرافیای نظامی و امنیتی*، شماره اول، زمستان ۸۱.
- افتخاری، اصغر و دیگران (۱۳۷۹). «*مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی*». تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۲). «جغرافیای امنیتی ایران». *فصلنامه جغرافیای امنیتی و نظامی*، شماره ۲، بهار ۱۳۸۲.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولتها و هراس*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تقوی اصل، سید عطا (۱۳۷۹). *ژئوپولیتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). «ژئوپولیتیک یک بررسی فلسفی». *نشریه ژئوپولیتیک*، دانشگاه امام حسین، شماره اول، ۱۳۸۴.
- حیدری، محمد (۱۳۸۳). «دگرگونی‌های ژئوپولیتیک و جغرافیای نوین امنیتی ایران». *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۳.
- درویشی سه تلانی، فرهاد (۱۳۷۶). *تأملی نظری بر امنیت ملی*. تهران: انتشارات معاونت تحقیق و پژوهش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- دوئرتی، جیمز، و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۶). *نظریه های متعارض در روابط بین الملل*. مترجمان علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: نشر قومس.
- ربیعی، علی (۱۳۸۳). *مقدمه ای بر نظریه های امنیت ملی در جهان سوم*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). *امنیت ملی و نظام بین الملل*. تهران: انتشارات سمت.
- سایق، یزید (۱۳۷۷). *امنیت در کشورهای در حال توسعه*. مترجمان علیرضا طیب و مصطفی ایمانی زاده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شکوهی، حسین (۱۳۷۳). *فلسفه جغرافیا*. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی.
- صباغی، عباس (۱۳۸۶). *جایگاه ژئوپولیتیکی ایران*. *روزنامه شرق*، ۱۳۸۶/۴/۳، شماره ۸۸۸.

- صوفی، علیرضا (۱۳۸۵). «آثار رقابت روسیه و انگلیس در شکل گیری انقلاب مشروطیت». *ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال بیست و یکم، شماره اول و دوم، مرداد-آبان ۱۳۸۵.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۷). *ژئوپولیتیک*. تهران: انتشارات سمت.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۳). «امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۳.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). *چهره متغیر/امنیت ملی*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: انتشارات سمت.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۳). *جغرافیا و سیاست*. قم: انتشارات حق یاوران.
- میرحید، دره (۱۳۸۰). *مبانی جغرافیای سیاسی*. تهران: انتشارات سمت.
- مینایی، مهدی (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۷). *مجموعه قوانین نیروهای مسلح با آخرین اصلاحات*. تهران: انتشارات خورشید.